



سلامت تصمیقات مدیران بانگاه به آموزه های قرآنی

منوچهر نوری



مقدمه

بهره نبردن از عقلانیت قرآنی و ضعف باورهای دینی در جامعه، به‌ویژه نزد تصمیم‌گیران، موجب آن می‌شود که مدیران در تصمیمات و فعالیت‌های خود بسیاری از ظرافت‌ها، دقت‌ها و ارزش‌های انسانی و اجتماعی را نادیده بگیرند. یکی از مسئله‌های اصلی که در این مقاله بررسی می‌شود، شناسایی نقش عقلانیت قرآنی و باورهای دینی در اخذ تصمیمات سالم و مناسب است.

عقلانیت قرآنی و ارتقای سلامت تصمیمات مدیران

در قرآن کریم در سوره بقره - آیه ۲۲۷، آل عمران - ۱۵۹ و ۱۸۶، طه - ۱۱۵، لقمان - ۱۷، شوری - ۴۳، احقاف - ۳۵، محمد - ۲۱، طه - ۱۱۵ اشاراتی کلی به امر تصمیم و تصمیم‌گیری شده است که با استعانت از آن‌ها دو بعد از تصمیم‌گیری استنباط می‌شود: ۱. **بعد فردی:** که نهایتاً فرد باید تصمیم بگیرد و امر تصمیم‌گیری فرایندی صرفاً ذهنی است که انجام می‌پذیرد و آثار آن عمدتاً به خود تصمیم‌گیرنده برمی‌گردد. در این بعد، جمع‌آوری هر چه بیشتر اطلاعات و مشورت با دیگران صرفاً به منظور تبیین واضح‌تر مسئله صورت می‌گیرد و به عبارتی، مراحل تصمیم‌سازی را شامل می‌شود.

۲. **بعد مدیریتی:** تصمیم‌گیری مدیریت در حوزه‌ی تعالیم اسلامی و عقلانیت قرآنی و تأثیر آن بر سلامت تصمیمات مدیران مطرح است که عمده بحث ما در این مقاله است و آن‌ها عبارت‌اند از:

انتقال به خداوند و طلب یاری از او در امر تصمیم‌گیری:

مبدأ و منشأ هر تصمیم انسان است و علت فاعلی آن همانا ایمان و اعتقاد انسانی است. در هر مکتبی، این علت و شکل تصمیم بسته به ارزش‌های اعتقادی و مکتبی است (جوادی آملی، ۱۳۷۲). لذا مدیر اسلامی بنابر ساختار اعتقادی و ارزش ذهن خویش به سوی

استعانت از خداوند برای فائق آمدن بر متغیرهای محیطی غیرقابل کنترل با تصمیم خود متمایل است. انسان در نهایت کمال در برابر قدرت خداوند ناتوان است و مدیران همواره باید به او توکل داشته باشند تا در بهره‌مندی از پیشامدهای غیرمترقبه رحمت‌های خود را مشمول حال آنان نمایند. لذا برای جلب عوامل و نیروهای مادی و غیرمادی خارج از حیطه دانش، نگرش و مهارت و قدرت باید به خداوند توکل داشت.^۱

مشارکت و مشاوره در تصمیم‌گیری: در نظام مدیریت

براساس عقلانیت قرآنی، به عقل هر فردی در هر درجه و مرتبه‌ای از علو تعالی باشد، اکتفا نمی‌شود؛ زیرا می‌بینیم پیامبر عزیز اسلام (ص) با همه نبوغ ذاتی و هوش فوق‌العاده‌ای که داشتند، و علاوه بر تأییدات وحی، از اندیشه ژرف و تابناکی برخوردار بودند، با این وصف به اندیشه دیگران و یاری گرفتن از آن‌ها بسیار اهتمام می‌ورزیدند و در موارد بسیاری با اصحاب خود به مشورت می‌نشستند. از جمله در جنگ احد و احزاب (مجموعه مقالات نگرش بر مدیریت اسلام، ۱۳۷۲).

در این مورد، شواهد بسیار دیگری نیز وارد است. برای کسب اطلاعات بیشتر، خوانندگان را به منابعی در این زمینه ارجاع می‌دهیم.^۲

ثبات، پایداری و قاطعیت در تصمیم‌گیری: مدیر در

رأس هرم سازمان قرار دارد و رهبر و پیشرو کارگزاران سازمان است و بر حسب موقعیت اجرایی خود و مسئولیتی که بر عهده دارد، مرکز ثقل اندیشه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادها و در حقیقت آخرین مرجع برای تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی و اتخاذ تصمیم برای عمل است. از این جهت به لحاظ موقعیت خود به اراده نیرومندی نیازمند است تا پس از بررسی تمام جوانب تصمیم قاطع بگیرد و هر نوع تردید و دودلی را کنار بگذارد و با اعتماد و عنایت الهی



نظر خود را صادر کند (سیحانی، ۱۳۷۲). خوانندگان عزیز برای کسب اطلاعات بیشتر به این منابع مراجعه کنند.^۳

سلامت روحی و روانی و تمرکز حواس در تصمیم‌گیری: از آنجا که تصمیم‌گیری و اجرای آن زمانی نتایج رضایت‌بخش و سودمندی خواهد داشت که تصمیم براساس تعقل و خرد انسانی و با علم و آگاهی و شناخت گرفته شود، نباید در حالت عصبانیت، شهوت و هیجان، خشم و غضب که موجب از اختیار خارج شدن فکر و اندیشه انسان می‌شود، اقدام به اتخاذ تصمیم نمود. علی (ع) می‌فرماید: هرگز در حالت غضب غالب و شهوت قاهر تصمیم نگیرید؛ زیرا در آن وضعیت نه تنها فکر و اندیشه تحت تصرف عقل و خرد انسانی نیست، بلکه تمام اعضا و جوارح نیز از تصرف و سلطه عقل خارج می‌شود (حکمت نهج‌البلاغه، ص ۱۷۰).

عدالت، انصاف و توجه به زیردستان در هنگام تصمیم‌گیری: علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: زنهار بین خود و کسانی که بر آن‌ها حکم می‌رانی، حجاب جاه و مقام حائل نکنی. آن حضرت وقتی که پای منافع عامه در میان بود، اغماض و گذشت را جایز نمی‌دانست و تدابیری برای جلوگیری از تضییع حقوق عامه اعمال می‌کردند.

علاوه بر مطالب فوق، که به اشکال مختلف به موضوع تصمیم‌گیری و نقش عقلانیت در آن می‌پردازد، مطالب دیگری از آیات قرآن کریم استنباط می‌گردد که نقش عقلانیت را از زوایای تأثیرشان بر سلامت تصمیمات مورد توجه قرار می‌دهد. به این مفهوم که قرآن کریم، پس از توحید، معاد را به عنوان چشم‌انداز و هدف غایی بیان می‌کند و همه انسان‌ها را به توحید فرا می‌خواند و به معاد و جزای خیر و شر بشارت و بیم می‌دهد. بشارت به آنانی که در زندگی دنیا دستورات الهی را رعایت کرده و با صداقت، سلامت و مهربانی تعامل می‌کنند. حرام خدا را حرام و حلال خدا را حلال می‌دانند، به واجبات عمل می‌کنند و از محرّمات دوری می‌جویند؛ تقوای الهی پیش می‌گیرند و راه راست می‌پیمایند.^۴ مدیران معتقد به آموزه‌های قرآنی و دینی، به عدل و رعایت انصاف در سازمانشان می‌اندیشند و آرمان و هدف غایی مدیران رستخیز و معاد است. آنان امید دستیابی به منافع ناشی از سرمایه‌گذاری انسانی، اقتصادی و معنوی را علاوه بر نتایج کوتاه‌مدت، در آینده بسیار دور دارند؛ حتی پس از مرگ. در واقع به معنی دقیق، آنان مدیران و رهبران آینده‌نگر و مدیرانی برای فردایند.

مدیران قیامت‌باور و دین‌دار در تصمیماتشان جدی و امیدوارند. آنان به کوچک‌ترین روزه‌های امید، دل می‌بندند و برای رسیدن به اهداف تلاش می‌کنند. امیدواری آنان سبب می‌شود که موفقیت‌های زیادی نصیبشان گردد و حتی امید کوچک آنان به امید بزرگ تبدیل می‌شود. همان‌طور که موسی (ع) به امید شعله آتش رفت اما با مقام نبوت و رسالت بازگشت.^۵ مدیران اسلامی و معتقد، که تقوای الهی پیشه می‌کنند، همیشه

به یاد خدا هستند و به آن اهمیت بسیار می‌دهند. به واسطه همین معنی، خداوند به آنان نفس مطمئنه همراه با قدرت تمیز حق از باطل می‌دهد و همین نفس مطمئنه و متقی، آنان را به مقام بندگان خاص و سرانجام به بهشت جاویدان می‌رساند. این امر، یعنی تلاش به امید آینده و فردایی بسیار دور که شاید حتی نتایج و منافع آن در این دنیا نصیب آنان نمی‌گردد.

استنباط پنج مؤلفه از سوره مبارکه فرقان^۶ و تعهد به رعایت این مؤلفه‌ها در عمل، متضمن ارتقای سلامت تصمیمات مدیران در نظر گرفته شده است. این پنج مؤلفه عبارت‌اند از: سود، زیان، زندگی، مرگ و رستخیز. به این معنی که مدیران می‌کوشند که در سازمان تحت مدیریتشان کمترین ضرر متوجه سازمان و کارکنان آنان گردیده و بیشترین سود و منفعت عایدشان شود. این سود و ضرر، هم می‌تواند مادی و مالی باشد و هم معنوی و اخلاقی. همچنین می‌کوشند تعریف روشن و درستی از مفهوم مرگ پیدا کنند و مرگ را آغاز یک زندگی جدید بدانند. بنابراین، به جهت باوری که به آن دارند، از انجام امور و اخذ تصمیماتی که به ضرر خود و سازمان است، پرهیز می‌کنند و زندگی فردی و سازمانی را به گونه‌ای می‌سازند که انگار هرگز مرگ به سراغ آنان نخواهد آمد.

امیدواری سرلوحه حیاتشان خواهد بود و قادرند هم‌زمان، بین زندگی و مرگ تعادل و تعاملی منطقی و حکیمانه برقرار سازند و با هردوی آن‌ها مأنوس شوند. می‌دانند همان خدایی که خالق زندگی و حیات آنان است، مرگ و ممات آنان را نیز خلق کرده است.^۷ باور به رستخیز و قیامت، مؤلفه پنجم است. مدیران و رهبران دین‌باور، ایمان به مرگ را در خود پرورانده و با اعتقاد به قیامت و روز رستخیز رأفت و دقت بیشتری دارند تا به واسطه آن، تصمیم‌ها به درستی و فارغ از وسوسه‌های ردیالانه و منطبق بر فضیلت‌ها اخذ گردد؛ زیرا اعتقاد به رستخیز حاوی این هشدار است که خلقت انسان از سوی خداوند بی حکمت و بی حساب و کتاب نیست. هر کس ذره‌ای کار خیر و یا شر کند، به حسابش رسیدگی خواهد شد.^۸ منظور از وسوسه‌های ردیالانه کلاه‌برداری، دروغ، حرام‌خواری و رشوه و نزول خواری و... و غرض از فضیلت‌ها رعایت حلال و حرام، عدل و انصاف، صداقت و... می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹
۲. سیحانی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵، بحارالانوار، جلد ۱۵، بخش ۴، نهج‌البلاغه، ص ۹۹۴، ۱۱۱۸، ۱۲۵۵، ۱۰۳۲، ۱۲۲۲
۳. لقمان - سوره ۱۷، نهج‌البلاغه، ۱۲۹۷، ۹۸، سیحانی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۶
۴. سوره طه، آیات ۱۶-۹
۵. تفسیر نورالقلین، جلد ۳، ص ۲۷۳
۶. سوره انفال، آیه ۲۹
۷. سوره فرقان، آیه ۳
۸. سوره ملک، آیه ۲
۹. سوره زلزال، آیات ۷ و ۸